

سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تحولات راهبردی ۱۳۹۰
چشم‌انداز ۱۳۹۱

زیر نظر شورای نویسندگان



پژوهشکده مطالعات راهبردی
غیرتسلیمی

سخن ناشر

تأمین امنیت ملی مهم‌ترین کارکرد دولت‌های ملی در جهان امروز به شمار می‌آید. دولت‌ها در معرض انواع تهدیدات داخلی و خارجی قرار دارند. آنها برای تأمین امنیت ملی در پی کسب و افزایش قدرت خود و کاستن از تهدیدات هستند. مقابله با تهدیدات و تأمین امنیت در مرحله نخست امری اجتماعی، شناختی و بیناذهنی است. برداشت زمامداران از وقایع و رویدادها، سیاست‌ها و اقدامات بازیگران دیگر نقش اساسی در شکل‌گیری سیاست و اقدامات دولت‌ها در برابر تهدیدات و فرصت‌ها و اهداف و منافع ملی دارد.

بررسی علمی رویکردها و سیاست‌ها، رصد نظام‌مند رویدادها و روندها، لازمه تصمیم‌گیری مناسب و به موقع برای مقابله با تهدیدات و تأمین امنیت ملی می‌باشد. دولت‌ها نمی‌توانند به شیوه سنتی و فردی تحولات را پی‌گیری و بر اساس آنها تصمیم‌گیری کنند. مراکز علمی و پژوهشی به منظور دیدبانی نظام‌مند مولفه‌های مؤثر بر امنیت ملی شکل می‌گیرند و حاصل مطالعات و بررسی‌های خود را در قالب گزارش‌ها و مقالات علمی و تحقیقی برای اتخاذ سیاست‌های مناسب‌تر و مؤثرتر در اختیار مراکز تصمیم‌گیری قرار می‌دهند. آنها تلاش می‌کنند تصویری واقعی از هر کدام از وقایع و نحوه تأثیرگذاری آنها بر امنیت ملی ارائه و راهبردهایی را برای رویارویی با تهدیدها و چالش‌ها پیشنهاد کنند.

بررسی تحولات و رویدادهای مهم هر سال در قالب یک مجموعه می‌تواند تصویر جامع‌تری از مسایل و موضوعات مؤثر در امنیت ملی ارائه دهد. پژوهشکده مطالعات راهبردی به منظور فراهم کردن تصویری همه‌جانبه از امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و مسایل، چالش‌ها،

راه‌حل‌ها و راهبردهای مؤثر و مفید در تأمین آن، از سال گذشته برای نخستین بار در کشور اقدام به تهیه سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کرد که با استقبال و تشویق قابل توجه مراکز تصمیم‌گیری، مدیران و صاحب‌نظران این حوزه روبه‌رو شد و اکنون در دومین سال این اقدام ارزشمند، تحولات سال ۱۳۹۰ بررسی و با توجه به روندها و الگوهای اثرگذار بر مولفه‌های گوناگون امنیت ملی، چشم‌انداز امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سال آتی ارائه شده است. در این مجموعه به امنیت ملی از منظری جدید و فراگیر نگاه شده است. ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی امنیت در دو سطح داخلی و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. رویدادها به همراه سیاست‌ها و راهبردها ارزیابی شده و به دلیل شکل‌گیری قیام‌های مردمی و بیداری اسلامی در جهان عرب در بخش ویژه تحولات خاورمیانه، این موضوع مورد بررسی و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحلیل شده است.

در این سال‌نما بیش از ۴۰ موضوع طرح و مورد بررسی قرار گرفته است. در همه آنها ابعاد راهبردی موضوعات مدنظر قرار گرفته و چگونگی فرایند تحولات و تأثیرگذاری‌شان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی شده است. در هر یک از آنها جدا از بررسی روندهای سال ۱۳۹۰ نگاهی به تداوم و تغییر این روند در سال آینده شده است تا برای تصمیم‌گیرندگان و پژوهش‌گران این امکان فراهم شود تا تصویر نسبتاً محتمل‌تری از سال آینده داشته باشند. در همین حال مقایسه روند تحولات سال ۱۳۹۰ با پیش‌بینی‌های انجام شده در سال‌نمای ۱۳۸۹ گویای روش دقیق پژوهش‌سکده و پژوهش‌گران آن در توصیف و تحلیل واقعیت‌های مؤثر بر امنیت ملی است.

پژوهش‌سکده مطالعات راهبردی به دلیل استقبال قابل توجه علاقمندان حوزه مطالعات راهبردی از سال‌نمای ۱۳۸۹ امسال با انگیزه بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر گزارش جامع‌تری آماده کرده و امیدوار است با تهیه منظم‌تر، علمی‌تر و دقیق‌تر گزارش‌های سالانه، تصویر واقعی‌تر و روشن‌تری از مسایل، تهدیدات و فرصت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد تا به تصمیم‌گیرندگان در اتخاذ سیاست‌ها و راهبردها کمک کند. امید است این کتاب مرجع گامی در ایجاد و تکوین کارهای مشابه از سوی دیگر مراکز علمی و پژوهشی در ایران اسلامی باشد. در پایان لازم است از اعضای محترم شورای سیاست‌گذاری سال‌نما آقایان سعید نورایی، محمود یزدان‌فام، قاسم بنی‌هاشمی، نبی‌الله ابراهیمی، فرزاد پورسعید و سید مسعود موسوی که در طراحی، سیاست‌گذاری، تدوین و هدایت آن نقش ارزنده‌ای داشتند سپاسگزاری نمایم.

مقدمه

مجموعه حاضر دومین «سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» است که از سوی پژوهشکده مطالعات راهبردی به زیور طبع آراسته و تقدیم مخاطبان فرهیخته می‌شود. اهمیت تدوین این مجموعه به لزوم رصد و برآورد تغییراتی باز می‌گردد که در عرصه آرایش قدرت سیاسی و ملاحظات امنیتی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در فواصل زمانی مشخص روی می‌دهد. این دغدغه‌ای است که مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، همواره بر آن تأکید و اهتمام داشته‌اند. ایشان در هفتم دیماه ۱۳۹۰ و در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران جمهوری اسلامی ایران، آرایش سیاسی دنیا را در حال تغییر اساسی برشمردند و افزودند:

«حوادثی بزرگ در منطقه، اروپا و در جهان در حال وقوع است که باید با هوشیاری

کامل آنها را رصد کرد. باید حوادث بی‌سابقه و عمیق منطقه و جهان را با هوشیاری رصد

و با تصمیمات و اقدامات هوشمندانه و حکمت‌آمیز، در این عرصه نقش مؤثر ایفا کرد».

این مجموعه، پاسخی است به این دغدغه و بایسته‌های برآمده از آن و همچون شماره گذشته، شامل تحلیل و ارزیابی تحولات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰ است. سازماندهی این شماره نیز در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته و چشم‌اندازی از تحولات احتمالی ۱۳۹۱ را با صبغه امنیتی، برآورد و تصویر می‌کند تا تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران را در تبیین و ارتقاء ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی یاری رساند.

برآورد امنیتی^۱ در این چهارچوب، به منزله تحلیل کنش متقابل دو یا چند بازیگر امنیتی (دولت ملی) به هنگام صلح یا در شرایط جنگ است که قاعدتاً رقبا یا دشمنان یکدیگر به شمار

می‌روند. در برداشتی وسیع‌تر، «برآورد امنیتی» اشاره‌ای است به تخمین عرصه‌های رقابت دو دولت یا دو متحد که شامل شناسایی ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های دشمن در مقایسه با قوت‌ها و برتری‌های طرف دیگر می‌شود. علاوه بر این، به واسطه تحولات مفهومی امنیت، برآورد امنیتی می‌تواند شامل عرصه‌های غیررقابتی و داخلی در روابط درون‌جامعه‌ای یا روابط جامعه و دولت نیز بشود. این امر از آن روست که در شرایط کنونی، بعد داخلی امنیت و سطح انسانی آن، هم‌تراز بعد خارجی و سطح ملی امنیت، اهمیت یافته است.

مطابق این تعریف، برآورد امنیتی، اولاً مربوط به مسائل و ملاحظات امنیت ملی کشورها می‌شود. ثانیاً در نسبت با دیگران معنا می‌دهد و ماهیتی رابطه‌مند دارد. ثالثاً شرایط جنگ و صلح را توأمان پوشش می‌دهد و مقید به شرایط خاصی نیست. رابعاً حامل نوعی تخمین و ارائه تصویری از آینده احتمالی و ممکن است. در این چهارچوب، آنچه مهم است، تفاوت بین پیش‌بینی و برآورد است. این تفاوت، حیاتی است، ولی اغلب به درستی فهم نمی‌شود. پیش‌بینی چنانکه در نزد عموم فهم می‌شود، پیش‌گویی آینده و یا تلاش برای آن است، اما برآورد مبهم‌تر بوده و امکان وقوع نسبی یک یا چند احتمال را ارزیابی می‌کند. اگر امکان پیش‌بینی رویدادی وجود داشت، دیگر ضرورتی برای برآورد احتمالات معطوف به آن نبود (لونتال، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

خامساً، برآورد امنیتی، هم به تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها اشاره دارد و هم شامل فرصت‌ها و توانمندی‌ها می‌شود و نقاط برتری را نشان می‌دهد. در عین حال، آنچه اولویت دارد، ارزیابی و برآورد تهدیدات و آسیب‌پذیری‌هاست. در واقع، برآورد تهدیدات شرط لازم برآورد امنیتی است، اما شرط کافی آن نیست.

مبنا و پشتوانه نظری تدوین این مجموعه نیز همان چهارچوب و پایه تئوریک شماره پیشین، یعنی سال‌نمای ۱۳۸۹ است. در آن شماره، اشاره شده بود که برآورد تحولات راهبردی کشور، چه در خصوص وضعیت کنونی و چه در قالب چشم‌انداز آینده، در چهارچوب شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

در واقع، «امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» مبین این مفروضه مهم است که جمهوری اسلامی نظامی است که معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی بر آن قابل انطباق است که لزوماً با معانی و مفاهیم امنیت ملی دیگر کشورها هم‌پوشانی ندارد. این نکته، خود برخاسته از مفروضه دیگری است که بر پایه آن، هر نظام سیاسی به واسطه ایده تشکیل‌دهنده و نحوه شکل‌گیری‌اش، تلقی و برداشت یا معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی را برمی‌تابد و از این رو، شناسه‌های امنیت ملی آن با دیگر نظام‌ها یکی نیست. البته، این تلقی یکتانگار عمده‌تاً با ماهیت و فلسفه وجودی رژیم‌های سیاسی مرتبط است و در عین حال، می‌تواند ناشی از ظرفیت‌های طبیعی و تاریخی متفاوت در هر کشوری نیز باشد.

از سوی دیگر، تلقی‌های یکسان‌انگار نیز برای شاخص‌سازی قائل به دسته‌بندی کشورها با معیارهایی چون میزان توسعه یا تشابه ساختارهای سیاسی - اجتماعی و جغرافیایی هستند و

جمهوری اسلامی نظامی
است که معنا و مفهوم
خاصی از امنیت ملی بر
آن قابل انطباق است که
لزوماً با معانی و مفاهیم
امنیت ملی دیگر کشورها
هم‌پوشانی ندارد

از این رو، شاخص‌های سنجش امنیت ملی را برای همه کشورها یکسان نمی‌دانند. برای مثال، آزر و مون در اثر کلاسیک خود با عنوان «امنیت ملی در جهان سوم»، معتقدند مسئله امنیت ملی در کشورهای جهان سوم با مسئله امنیت در غرب متفاوت است و از این رو نمی‌توان با شاخص‌ها و رهیافت‌های یکسان به تحلیل هر دو اقدام کرد. به نظر آنها، در جهان سوم، مسئله امنیت ملی عمدتاً موضوعی نظامی - سیاسی است و برحسب تهدیدات نظامی خارجی تعریف می‌شود. در واقع، آنچه محور امنیت ملی است، حفاظت فیزیکی کشور در برابر تجاوز خارجی، درگیری‌های مرزی و براندازی می‌باشد. بنابراین، امنیت نیز با توانایی دولت در حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سنجیده می‌شود (آزر و مون، ۱۳۸۸: ۱۴).

همچنین، باری بوزان در نظریه کلاسیک مجموعه امنیتی^۱، مناسب‌ترین مقیاس تحلیل امنیت را مقیاس منطقه‌ای می‌داند. دلیل این امر آن است که به نظر وی، مناسبات امنیتی در نظام بین‌الملل کنونی، دیگر همچون دوره جنگ سرد نیست که به واسطه رقابت دو ابرقدرت شرق و غرب، مسائل دو کشور مختلف و متعلق به دو منطقه گوناگون، همچون یمن و جمهوری چک به هم مرتبط شوند و همزمان مورد تحلیل قرار گیرند. هدف از این چارچوب، برجسته‌ساختن استقلال نسبی مناسبات امنیتی منطقه‌ای و جای‌دادن این مناسبات در سطح واحد و سیستمی بوده است (بوزان، ویور و دووید، ۱۳۸۶: ۲۹ - ۳۰).

در پژوهش دیگر، لی نور جی. مارتین در تحلیل شاخص‌های امنیت در سطح خاورمیانه، امنیت ملی را عبارت از توانایی دولت در اعمال یا جلوگیری از تهدید نسبت به سه مؤلفه تمامیت ارضی، جامعه و رژیم سیاسی می‌داند. بر اساس نظریه وی، عالی‌ترین شکل ناامنی دولت در این منطقه این است که سرزمین آن اشغال شود، حکومت آن از هم بپاشد، جامعه آن به واسطه ناآرامی‌های قومی - مذهبی یا جدایی‌طلبی، کاملاً تهدید شود و دولت توانایی اندکی برای مقابله با این تهدیدها داشته باشد. رژیم سیاسی در نظریه مارتین به شیوه سامان‌دهی سیاسی یا نوع حکومت مانند دموکراسی، جمهوری، استبدادی و پادشاهی اطلاق می‌شود. تفاوت دولت و رژیم این است که دولت‌ها تغییرات زیادی می‌پذیرند، در حالی که رژیم از ثبات برخوردار است (مارتین، ۱۳۸۳: ۳۸ - ۴۱).

بر این اساس، به نظر می‌رسد برای تعیین شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، می‌بایست دو رویکرد یکتا و یکسان‌انگار را ترکیب نمود.

در چارچوب رویکرد یکسان‌انگار، اولاً می‌بایست مسئله امنیت ملی جمهوری اسلامی را عمدتاً مسئله‌ای سیاسی - نظامی دانست. هجوم نظامی رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران و تهدیدهای نظامی ایالات متحده و متحدینش در شرایط کنونی منطقه، این گمانه را مشروعیت می‌بخشد. در عین حال، به لحاظ سیاسی نیز نظام جمهوری اسلامی ایران، برآمده از انقلابی است که نظم موجود نظام بین‌الملل را نمی‌پذیرد و نسبت به آن تجدید نظر طلب است. این تجدید نظر طلبی، رژیم سیاسی را با تهدید بقا مواجه کرده است. تهدید مذکور، همچنین از

هر نظام سیاسی به واسطه ایده تشکیل‌دهنده و نحوه شکل‌گیری‌اش، تلقی و برداشت یا معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی را برمی‌تابد و از این رو، شناسه‌های امنیت ملی آن با دیگر نظام‌ها یکی نیست

سوی اپوزیسیون ایرانی نیز زنده و تکرارپذیر است و از این رو، براندازی رژیم سیاسی از جمله مهم‌ترین اولویت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی است.

ثانیاً (در چارچوب رویکرد یکسان‌انگار) باید پذیرفت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نوعی وابستگی متقابل با مجموعه امنیتی خاورمیانه و به ویژه، زیرمجموعه خلیج فارس دارد، به گونه‌ای که امنیت آن را از دیگر مجموعه‌های امنیتی جدا می‌کند. مسائل مشترک در این مجموعه، همچون مذهب، قومیت، الگوهای دوستی و دشمنی، میزان دخالت قدرت خارجی، اختلافات مرزی، منازعه بر سر منابع انرژی و آب و میزان توسعه‌یافتگی، سبب ایجاد علائق مشترک و مشابه امنیتی در میان این مجموعه شده و این علائق به قدری است که امنیت ملی هر یک از کشورها و شناسه‌های آن را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد.

وابستگی منطقه‌ای امنیت در رویکرد یکسان‌انگار، بعد دیگری نیز دارد و آن همانا شیوه‌های امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن است. بوزان و ویور، در سال ۱۹۸۹، تعریف خود از مجموعه امنیتی را که در سال ۱۹۸۳ در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس داده بودند، تغییر دادند. مطابق تعریف پیشین، مجموعه امنیتی از نظر آنها به گروهی از دولت‌ها اطلاق می‌شد که نگرانی‌های اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدای از یکدیگر مورد توجه قرار داد، اما در تعریف جدید، در کتاب مناطق و قدرت‌ها، آنها به این نتیجه رسیدند که مجموعه امنیتی عبارت از مجموعه‌ای از واحدهاست که در آنها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هردوی آنها، آن اندازه در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود (۱۳۸۸: ۵۵). برای مثال، در غالب کشورهای خاورمیانه، همچنان، تهدیداتی که صبغه سرزمینی بیشتری دارند، اولویت‌های امنیت ملی را مشخص می‌کنند و تهدیدات با صبغه سرزمینی کمتر، مانند تهدیدات اقتصادی، در اولویت بعدی هستند. همچنین، چنانچه کشورهای همسایه از جمله ترکیه و عراق، مسئله قومی را نوعی مسئله امنیتی تلقی کنند یا به بیان بهتر آن را امنیتی کنند، برای ایران، بسیار دشوار است که آن را غیرامنیتی کند و بالعکس.

ثالثاً این وابستگی متقابل نشان می‌دهد، همچون دیگر کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست تهدید نسبت به رژیم سیاسی، تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی خود را در زمره شاخص‌های امنیت ملی و سنجش آن به حساب آورد.

در این مجموعه، نظریه مارتین در خصوص شناسه‌های امنیت ملی پذیرفته شده و به نظر می‌رسد، به منظور مدیریت استراتژیک و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران و مدیریت جریان‌ها و فرایندهای مرتبط، می‌بایست سه شناسه کلی رژیم سیاسی جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی ایران و انسجام جامعه ایرانی مد نظر قرار گیرد و پدیده‌های مختلف از جمله رقابت‌های سیاسی با توجه به آنها آسیب‌شناسی شوند. در عین حال، با توجه به شرایط نوین منطقه و جهان، به ویژه تحولاتی که پس از جنگ سرد و حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داده است، شناسه چهارمی را

با توجه به شرایط نوین منطقه و جهان، به ویژه تحولاتی که پس از جنگ سرد و حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داده است، شناسه چهارمی را نیز می‌توان به شناسه‌های امنیت ملی کشورها افزود و آن همانا تصویر بین‌المللی کشورها و جایگاه ناشی از این تصویر دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است

نیز می‌توان به شناسه‌های امنیت ملی کشورها افزود و آن‌ها را تصویر بین‌المللی کشورها و جایگاه ناشی از این تصویر دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است. در واقع، ممکن است رژیمی در عرصه داخلی از مشروعیت نسبی و مکفی به لحاظ ابعاد کمی رضایت مردمی برخوردار باشد، اما تصویر نامناسبی از آن در عرصه بین‌المللی ترسیم شود. در آن صورت، امنیت ملی این کشور نیز در معرض آسیب‌پذیری قرار می‌گیرد. این ویژگی بیش از هر چیز نمایان‌گر بعد نمایشی امنیت در دنیای امروز و نرم‌افزاری شدن آن است. به همین دلیل است که از جمله گزارش‌های این مجموعه، برآورد فشارهای حقوق بشری و همچنین عملکرد فضای مجازی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

در چارچوب رویکرد یکتانگار نیز باید پذیرفت که جمهوری اسلامی، در عین حال نظامی است با ویژگی‌های یگانه که آن را از دیگر کشورهای عضو مجموعه امنیتی خاورمیانه مجزا می‌کند. برای مثال، باید اشاره کرد که مرکز ثقل مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، عقیدتی - فرهنگی است و این ویژگی‌ای است که دیگر کشورهای منطقه فاقد آنند. به بیان دیگر، تهدید ایده دولت در جمهوری اسلامی، یعنی اسلام به مثابه مکتب، به منزله تهدید وجودی آن به شمار می‌رود؛ چرا که اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با دیگر نظام‌های سیاسی منطقه نخواهد داشت. به این معنا، جمهوری اسلامی نه نظامی گراست همچون رژیم‌های برآمده از کودتا، نه صرفاً سیاسی و مبتنی بر قدرت‌طلبی گروهی خاص است و نه مناسبات و گرایش‌های اقتصادی آن را شکل داده است.

از سوی دیگر، ایران به لحاظ ظرفیت‌های طبیعی و در نتیجه روندهای تاریخی، کشوری خودیار^۱، به ویژه هنگام بروز تنگناها و معضلات امنیتی است و نباید به همیاری دیگر بازیگران امید داشته باشد. در واقع، ظرفیت ترکیب منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل تفاوت‌های قومی - مذهبی و همچنین، دخالت‌های خارجی و تنوع و پیچیدگی الگوهای دوستی و دشمنی، بسیار پائین است و جمهوری اسلامی امکان ائتلاف یا اتحاد را در سطح منطقه‌ای ندارد. این در حالی است که دیگر کشورها و بازیگران منطقه‌ای از این امکان برخوردارند (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۵۳).

همچنین، ایران کشوری است که همه اقلیت‌های قومی آن مرز نشینند و گروه قومی مشابه خود را در آن سوی مرز می‌یابند و از این رو، این گروه‌ها می‌توانند محمل و مجرای برای تهدید تمامیت ارضی باشند. این ویژگی نیز منحصر به فرد است و در هیچ یک از دیگر کشورها (ی منطقه) دیده نمی‌شود و ملاحظات خاصی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جدای از امنیت ملی دیگر کشورهای عضو این مجموعه امنیتی ایجاد می‌کند. این ویژگی‌های یگانه سبب می‌شوند مفهوم رژیم سیاسی، تمامیت ارضی، انسجام اجتماعی و تصویر بین‌المللی ایران، با دیگر کشورهای منطقه متفاوت باشد.

در عین حال، متناسب با تجربه تدوین و انتشار نخستین شماره و همچنین، نظرات سازنده

انتقادی و پیشنهادی مخاطبان، در این مجلد، تغییراتی، هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ محتوایی داده شده است.

مهم‌ترین تغییر در سال‌نمای ۱۳۹۰، افزوده‌شدن بخش ویژه‌ای است که به تحولات بیداری اسلامی در منطقه عربی می‌پردازد. در واقع، اهمیت راهبردی این تحولات و تأثیرات آن در آینده مناسبات قدرت و ملاحظات امنیتی در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به حدی است که اقتضا می‌کرد در سال‌نمای ۱۳۹۰، بخش جداگانه‌ای هم‌سنگ با بخش‌های داخلی و بین‌المللی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به آن اختصاص داده شود. این رویه، ان‌شاءالله در سال‌های بعد نیز پی گرفته خواهد شد و چنانچه تحولی در این سطح از اهمیت، قابل طرح و برآورد بود، بخش مستقلی به آن اختصاص داده خواهد شد.

تغییر مهم دیگر، در بعد اجتماعی - فرهنگی سطح داخلی سال‌نما رخ داده است. بر این اساس، بخش مذکور از چهار زیرعنوان در سال‌نمای گذشته، به ده مورد افزایش یافته و مقولاتی چون موضوعات مرتبط با امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، امنیت انسانی، تحولات جمعیتی، سرمایه اجتماعی، سطح رضایت‌مندی و سبک زندگی، که از شاخص‌های مهم ارزیابی ضریب امنیت داخلی در سطح اجتماعی به شمار می‌روند، به این بخش اضافه شده‌اند. این تغییر می‌تواند اهمیت امنیت فرهنگی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را در سطح داخلی متناسب با امنیت سیاسی - نظامی آن بازنمایی کند و بایستگی توجه به این عرصه را بیش از پیش نمایان سازد، چراکه جمهوری اسلامی بیش از هر چیز نظامی عقیدتی - فرهنگی است. این تغییر و تحول، همچنین با تحولات روی‌داده در دهه‌های اخیر در مطالعات امنیتی و نظریه‌های امنیت، در عرصه آکادمیک نیز منطبق است و از این رو، برآورد حاضر را به استانداردهای علمی نیز نزدیکتر می‌کند.

مشابه این تغییر، در بعد اقتصادی امنیت داخلی نیز ایجاد شده و موضوعاتی چون مسائل مربوطه به بازار سرمایه و امنیت انرژی، به زیر عناوین این بعد افزوده شده است. این تحول نیز کمک می‌کند تا برآورد بالنسبه جامع‌تری از وضعیت امنیت اقتصادی کشور در مقایسه با سال‌نمای شماره گذشته، به دست داده شود.

در سطح بین‌المللی نیز شاکله و استخوان‌بندی موضوعات تغییری نکرده جز آنکه برخی زیرعناوین به تناسب اهمیت آنها در سال ۱۳۹۰، به این مجموعه افزوده شده است. از جمله این موارد می‌توان به برگزاری انتخابات در کشورهای مختلف دنیا اشاره کرد که در سال ۱۳۹۰ در نوع خود منحصر به فرد بود و از این رو، اهمیت و نتایج راهبردی آن در کشورهای گوناگون، در برآوردی مستقل مد نظر قرار گرفت. همچنین، تحولات مربوط به کشور مظلوم فلسطین و سرزمین‌های اشغالی نیز به سبب اهمیت آن در سال گذشته، به عنوان موضوعی جدید به این بخش افزوده شد.

اعمال این تغییرات سبب شد حجم برآوردهای این شماره در مقایسه با شماره گذشته، از ۲۶

مهم‌ترین تغییر در
سال‌نمای ۱۳۹۰،
افزوده‌شدن بخش ویژه‌ای
است که به تحولات
بیداری اسلامی در منطقه
عربی می‌پردازد

عنوان به ۴۲ عنوان افزایش یابد و به تبع آن، حجم سال‌نما نیز بیشتر شود. افزایش این حجم، در عین حال، به سبب تغییرات کیفی و کمی رویدادهای امنیتی در سطح جهانی و به ویژه در ارتباط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز هست. این تغییرات به حدی است که می‌توان گفت سال ۱۳۹۰، به عنوان آغاز دهه نود شمسی، نویدبخش تحولی نوین در مناسبات قدرت و امنیت در عرصه بین‌المللی است که بی‌تردید قدرت و امنیت جمهوری اسلامی ایران را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. به اقتضای این تغییرات معنادار، حجم بخش «گاه‌شمار تحولات راهبردی-امنیتی» این شماره نیز در حدود دو برابر شماره گذشته افزایش یافته است. تداوم این وضعیت، اقتضای آن را دارد که در سال‌های بعد، بخش گاه‌شمار، در قالب مجلدی جداگانه چاپ و در دسترس مخاطبان قرار گیرد.

علاوه بر این، یکی از بخش‌هایی که در سال گذشته مورد توجه خوانندگان قرار گرفت، بخش «چشم‌انداز» بود که به برآورد راهبردی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و شناسه‌های آن در سال بعد می‌پرداخت. در ارزیابی این بخش در سال‌نمای ۱۳۸۹، می‌توان گفت مهم‌ترین رویدادهایی که می‌توانست امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در سطوح داخلی و بین‌المللی و در ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار دهد و موجب کاهش یا افزایش ضریب آن در سال ۱۳۹۰ شود، مورد پیش‌بینی قرار گرفت که بیشتر برآوردها و گمانه‌زنی‌ها در خصوص مسائل سال ۹۰ درست و صحیح از آب درآمد. در عین حال، آنچه در سطح بین‌المللی، در بخش چشم‌انداز مورد غفلت قرار گرفت و برآوردی در خصوص آن ارائه نشده بود، دامنه‌دارشدن بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا بود. به هر ترتیب، توجه به چشم‌انداز سال ۹۱ نیز فرصت‌های مهمی در اختیار کارگزاران جمهوری اسلامی می‌گذارد، به گونه‌ای که بهره‌برداری مناسب از آنها می‌تواند منافع امنیتی کشور را ارتقا دهد. این شماره نیز در بخش چشم‌انداز ۱۳۹۱، حدود ۷۰ عنوان پیش‌بینی و برآورد مسائل امنیتی تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است که در مجموع ۳۵ موضوع کلی را پوشش می‌دهد.

علاوه بر این، در ابتدای بخش چشم‌انداز، سال ۱۳۹۰ «سال فرصت‌های ساختاری» عنوان‌گذاری شده بود. در این راستا، برگزاری انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در دوازدهم اسفندماه ۱۳۹۰، نشان داد این محمل ساختاری در نظام جمهوری اسلامی، فرصت‌های گران‌بهایی برای ارتقاء ضریب امنیت کشور ایجاد نمود و دشمنی‌ها را بی‌اثر و از بسیاری از تهدیدها، پیش‌گیری نمود. به دنبال برگزاری این انتخابات و مشارکت کم‌نظیر مردمی در آن، بسیاری از مخالفان داخلی و خارجی جمهوری اسلامی، به ویژه آنانکه در پی تحریم انتخابات بودند، بی‌اعتبار شدند و این به منزله بزرگ‌ترین فرصتی بود که در سال ۱۳۹۰، به لحاظ ساختاری در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. از این رو، به نظر می‌رسد عنوان‌گذاری مذکور در بخش چشم‌انداز سال‌نمای ۱۳۸۹، بجا و برازنده بوده است.

سال ۱۳۹۱ نیز سالی است که در نیمه دوم آن، مقدمات یازدهمین دوره انتخابات ریاست

سال ۱۳۹۰، به عنوان
آغاز دهه نود شمسی،
نویدبخش تحولی نوین در
مناسبات قدرت و امنیت
در عرصه بین‌المللی است
که بی‌تردید قدرت و امنیت
جمهوری اسلامی ایران
را نیز تحت تأثیر قرار
خواهد داد

جمهوری اجرایی و عملیاتی می‌شود و از این رو، سال مهمی خواهد بود. همچنانکه، نخستین سال آغاز به کار نهمین دوره مجلس شورای اسلامی است و از لحاظ شکل‌گیری ساختار و ترکیب این مجلس، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اداری، از اهمیت بسزایی برخوردار است. علاوه بر این، در سال ۱۳۹۱، در عرصه داخلی، به احتمال بسیار شاهد ورود به فاز دوم طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و تداوم نسبی چالش‌های اقتصادی خواهیم بود. همچنانکه می‌بایست نگران تداوم وقوع رویدادهای تروریستی (حرفه‌ای و قومی) و در عین حال، چاره‌اندیشی برای آن نیز باشیم.

در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای نیز به نظر می‌رسد چالش با غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای و همچنین تحریم‌های چندجانبه علیه کشورمان به همراه سرنوشت منازعات در سوریه و کشمکش بین رژیم بشار اسد و معارضان آن، مهم‌ترین مسائل و چالش‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در سال ۱۳۹۱، شکل خواهند داد. این موارد جملگی در این شماره از سال‌نما مطرح نظر قرار گرفته‌اند و عطف توجه به آنها به منزله لزوم اهتمام و برنامه‌ریزی خاص دست‌اندرکاران و مسئولان نظام با هدف پیش‌گیری از بروز غافل‌گیری‌های استراتژیک است.

انتشار نخستین شماره سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در سال گذشته، با استقبال و حمایت مشفقانه مخاطبان و نهادهای ذی‌ربط مواجه شد و عزم مجموعه دست‌اندرکاران و مسئولان پژوهشکده مطالعات راهبردی را در ادامه این مسیر در عین اصلاح نقص‌ها و کمبودها راسخ‌تر کرد. یکی از این خلاءها که در مقدمه سال‌نمای ۱۳۸۹ نیز به آن اشاره شده بود، لزوم ارائه برآوردهای راهبردی با فاصله زمانی کمتر در خصوص فرصت‌ها و تهدیدات عاجل و فوری‌تر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

دلیل این امر آن است که با توجه سرعت تحولات سیاسی و امنیتی به ویژه در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و فشردگی زمانی آنها، به ویژه در حوزه تهدیدات، ارائه برآوردها به صورت سالیانه، نیازهای تحلیلی و راهبردی تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران را چنانکه باید پاسخ نمی‌دهد و از این رو، نیاز به ارائه محصولی با ویژگی‌های محتوایی مشابه و در عین حال، فاصله زمانی کمتر، احساس می‌شود.

پژوهشکده مطالعات راهبردی، با توجه به این نیاز و همچنین، با توجه به تجربیاتی که در زمینه تدوین و تبیین برآورد راهبردی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مقیاس سالانه اندوخته است، از بهمن ماه ۱۳۹۰، اقدام به انتشار نخستین پیش‌شماره «ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی» کرده است تا به این خلاء پژوهشی، پاسخی در خور داده باشد. این ماه‌نگار با انتشار منظم خود می‌تواند پشتوانه تحلیلی و راهبردی مناسبی برای سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۱ باشد و از این رو، نقد و ارزیابی آن از سوی مخاطبان در ارتقاء کیفیت و غنای «سال‌نمای امنیت ملی ایران» نیز مؤثر خواهد بود.

پژوهشکده مطالعات راهبردی، با اتکا به ذات اقدس الهی و با پشتوانه و همت سرمایه انسانی

برگزاری انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در دوازدهم اسفندماه ۱۳۹۰، نشان داد این محمل ساختاری در نظام جمهوری اسلامی، فرصت‌های گران‌بهایی برای ارتقاء ضریب امنیت کشور ایجاد نمود

خود که جمعی از تحلیل‌گران و صاحب‌نظران متعهد در حوزه مطالعات راهبردی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند، سال گذشته، برای نخستین بار در عرصه مطالعات راهبردی جمهوری اسلامی ایران، اقدام به تدوین و انتشار برآورد راهبردی کشور به صورت سالانه نمود و هم‌اکنون، در تداوم این روند، دومین شماره «سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۰، چشم‌انداز ۱۳۹۱» را به خوانندگان فرهیخته و از جمله، دانشجویان و متولیان نهادهای مسئول امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تقدیم می‌کند و همچون گذشته، تداوم این روند را مستلزم نقد عالمانه و حرفه‌ای و همچنین، حمایت روزافزون و مؤثر مراکز و نهادهای مربوطه نظام جمهوری اسلامی می‌داند و امیدوار است با ادامه انتشار آن در سال‌های آینده، پایه‌گذار سنت و سرمایه پژوهشی مناسبی در این حوزه باشد.

• منابع:

- آزر، ادوارد ای. و چونگ این مون (۱۳۸۸)؛ «بازاندیشی مقوله امنیت ملی در جهان سوم، در امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم
- بوزان، باری، ویور، الی و پاپ دوولد (۱۳۸۶)؛ چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و الی ویور، (۱۳۸۸)؛ مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- لوونتال، مارک ام. (۱۳۸۷)؛ فرآیند اطلاعات: از اسرار تا سیاست، ترجمه علیرضا غفاری، تهران: دانشکده امام باقر(ع)